



«تاریخ را باید بخوانیم» شاید این جمله تکراری و کلیشه‌ای برای همه باشد که همیشه آن را در برهه‌های مختلف زمانی و تلاقی وقایع متعدد بارها و بارها به دلیل اهمیت وجود و ماهیت تاریخ و سرنوشت گذشتگان شنیده‌ایم و در تصمیم‌گیری‌های خاص آن را سرلوحه خود قرار دادیم.

واقع‌بینانه آن است که این جمله به‌رغم اعتبار و تکرر انتشار تا حدود زیادی ناقص و خالی از وجه کاربردی می‌تواند باشد و بهتر است که به‌جای آنکه بگوییم «تاریخ را باید بخوانیم» یا «تاریخ را باید بدانیم» بگوییم: تاریخ را باید درک کرد؛ چرا که خواندن و یا دانستن تاریخ به‌خودی‌خود نمی‌تواند منشأ اثر برای وقایع زمان حاضر باشد؛ بلکه درک دقیق تاریخ است که می‌تواند منشأ اثر برای امروز و آینده باشد.

«غدير» که خود سرمنشأ اعتقاد شیعه برای تمام تاریخ است در بستر خود با عدم بیعت امیرالمؤمنین (ع) و دختر رسول‌الله (ص) با منتخب ثقیفه، بنا به دستورات الهی و سفارش پیامبر و حقانیتی که داشتند؛ هویتی تسلیم‌ناپذیر از خود نشان داد که وقتی با «کربلا» همانندسازی شد و دوباره موضوع بیعت به وجود آمد به تجلی و نقطه اعلای عزت و شکوه انسانی رسید که هر انسان آزادادی واقعه کربلا را تا تمام طول تاریخ به دلیل آزادگی و بندگی محض امام حسین (ع) در مقابل خداوند می‌ستاید و عاشقانه مسیر او را می‌پیماید؛ اگرچه به نام زیارت حرم او در هر شرایط و در هر خطری که حتی جان را تهدید می‌کند؛ چه در سرما و چه در گرما چه در جنایات حاکمان عباسی و دیکتاتوری صدرام و چه در تهدیدهای داعشی و وهابیت و آمریکا مظهر شیطان اکبر.

در این خون‌خواهی به انحاء مختلف سه‌پیم بودند و شیعیان سائر کشورها نیز از این تفکر و خون‌خواهی به‌طور آشکار حمایت کردند. تصویر رهبر شهید و شهدای اخیر جنگ آمریکا با ایران و جبهه مقاومت و همچنین تصویر رهبر معظم و جوان انقلاب اسلامی نیز به‌طور بسیار اعجاب‌انگیزی سراسر مسیر مشایه را در بر گرفته بود و در تجمعات مقابل موب‌ها و در تمام پرچم‌گردانی‌های شبانه شعار «لیک با سید مجتبی» سر داده می‌شد.

نکته قابل توجه افزایش احترام مردم عراق به ایرانی‌ها و زائران ایرانی بود که در مقایسه با سال‌های قبل صمیمیتی بیشتر داشت. این احترام با به کار بردن کلمات محبت‌آمیز و همدلی نسبت به شهدات رهبر شهید انقلاب و همراه با افتخار به نتایج و شیوه جنگ ایران با آمریکا بود.

# نگاهی به اربعین ۱۴۰۵عزیزالله محمدی (امتدادجو)با تمرکز بر مسلمانان آذربایجان

**جای خالی زائران برخی کشورها**

گرچه خلأ حضور زائران بعضی از کشورها مثل افغانستان به دلایل متعددی که پیش آمده بود احساس می‌شد اما تنوع پرچم‌های مختلف کشورهای جهان، از هر گوشه دنیا بر زیبایی و جهان‌شمولی و مفهوم جامعه واحد انسانی به نام ملت امام حسین (ع) شکلی عینی و قابل لمس داده بود که تنوع فرهنگی، گویش، پوشش و حتی رفتار و اخلاق را با یک نگاه جامعه‌شناختی می‌شد احساس کرد. بعد از عراق که میزان زائران سایر کشورهاست؛ بیشترین زائر اربعین از ایران بود که از چند مرز مختلف، مهران، شلمچه، خسروی و... خود را به طریق مشایه رسانده بودند و به‌طور معمول قریب به اکثریت این زائران برای رسیدن به کربلا، مسیر حدود هشتاد کیلومتری نجف به کربلا را برمی‌گزینند که به‌طور مشخص، امسال این زائران به نسبت سال قبل تفاوت‌های خاصی، هم از باب افزایش هزینه سفر و هم حمل پرچم سرخ‌رنگ انتقام رهبر شهید داشت. زائران ایرانی با صرف هزینه‌های سنگین خود را به این مسیر عاشقی رسانده بودند و «خمی از پس جنگ، به عمق هویت و وجود» در دل و ذهن و روح خود داشتند که به دنبال التیام و مرهمی از جنس معنویت و از جنس انتظار می‌گشتند. آنها هر قدم که به پیش برمی‌داشتند؛ ذکر یا ابا صالح المهدی (عج) و دعای فرج را زیر لب با اشک چشم زمزمه می‌کردند و پرچم‌های سرخ را با عزمی جزم و اراده‌ای محکم می‌چرخاندند.

در این میان، علاوه بر احساسات موکبداران و مردم عراق، توجه و همراهی احساسی و عاطفی سایر زائران کشورهای دیگر هم نسبت به ایرانیان متفاوت از هر سال بود و مضاف بر آن، گروه‌های مختلف زائران کشورهای دیگر، از نواهای حماسی ایران که در میادین استفاده می‌شد برای لحظه‌های خود اندوخته معنوی و حماسی برمی‌داشتند. در مقایسه نسبت به سنوات قبل لبنانی‌ها با توجه به درگیری‌های مستقیمی که با رژیم صهیونیستی دارند و در کوران جنگ به سر می‌برند کمتر دیده می‌شدند؛ اما پاکستانی‌ها و هندی‌ها حضور چشمگیری داشتند و آنها هم با نواهای ایرانی و با پرچم‌های سرخ انتقام، کاروان‌های خود را در طول مسیر به پیش می‌بردند. پرچم چند کشور اروپایی و چند گروه آفریقایی نیز در میان زائران دیده می‌شد که عموماً حرکت خود را به شب موکول کرده بودند و گاهی سعی می‌کردند تا با زائران ایرانی از باب همدلی هم‌کلام شوند و حتی تصاویر رهبر شهید و رهبر سوم انقلاب را بر روی کوله خویش داشتند. ترکیه و موکبداهای ترکیه‌ای نیز از جمله کشورهای هستند که به تناسب ویژگی‌های فرهنگی خود، در طول مسیر حضور مؤثری داشتند.



## روایت سرداری با خصوصیات اخلاقی و قرآنی از سنگ‌سازی تا فرماندهی

دشمن در گیر می‌شویم، اگر سه چهار روز پشت سر هم تلفات بدهد، کل سازمان‌ها به هم می‌یزد. عملیات رمضان را که انجام دادیم؛ تقریباً سازمان دشمن در شرق بصره از هم پاشید. اگر روهیاش را در اینجا (منطقه عملیاتی والفجر ۴) هم وارد کند و پشت سر هم ضربه بخورد، سازمان‌ها از هم می‌پاشد. وقتی که سازمان‌ها از هم پاشید، تازه موقع ادامه عملیات ما است. ما باید هر جا نیرو داریم، آن‌ها را اینجا بیاوریم و دشمن را عقب بکشیم. چون او سازمانی ندارد که مقاومت کند، عراق تا یگان‌هایش را بازسازی کند و به آن‌ها روحیه بدهد طول می‌کشد. بهترین برای عراق ادامه عملیات؛ همین الان است که دشمن ضربه بخورد».

**خبرچکانه**

روایت سردار کریم نصر اصفهانی؛ فرمانده تیپ ۴۴ قم‌بنی‌هاشم (ع) در دفاع مقدس؛ منطقه عملیات والفجر ۴، حالت جنگلی و علفزار داشت؛ به همین دلیل، تشخیص میان‌های من خیلی سخت بود. من، حسین خرازی، احمد کاظمی و قاسم سلیمانی در قرارگاه بودیم که علی فدوی (رئیس فعلی گروه مشاوران فرمانده‌کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، ناراحت آمد و صحنه‌هاگیزر شهادت علی‌ضایان را تعریف کرد. گویا علی‌ضایان، علی فطلی و علی فدوی، برای شناسایی رفته بودند و علی‌ضایان روی مین رفته و شهید شده بود و علی فطلی و علی فدوی هم مجروح شده بودند.

اشک در چشم همه جمع شده بود. باور از دست دادن دوست و انسان مخلص و باصفایی مثل رضاییان برای همه ما سخت بود. او را پرای ما تنها خاطرات و عکس‌هایش

مسئول وقت اطلاعات قرارگاه چنین نقل می‌کند: وقتی بالی سر او رفت، دیدم به علت ترکش‌های زیادی که به بدنش خورده، جان‌سوزانه ناله می‌کند. او را به‌سختی به پشت جبهه منتقل کردند. در بیمارستان بود که به آرزوی دیرینه خود رسید و به لقای معبود و معشوقش نائل گشت.

**مازنی که خانه‌ب‌دوش بود**

قدرت‌الله مبرزایی که در دوران دفاع مقدس، مدیر گروه مهمات‌سازی سپاه ناحیه اصفهان و بنیان‌گذار تعمیر سلاح در یگان‌های رزم سپاه بوده است، در بخشی از کتاب خاطرات خود نقل می‌کند: روزی آقای علی‌ضایان به فریدن آمد. من او را نمی‌شناختم؛ ولی می‌دانستم فرمانده سپاه فریدن است. قبل از این هم چند بار آمده بود؛ ولی اصلاً سراغش نرفته بودم. مسئولیتی که در سپاه اصفهان داشت، مبادی هفت‌هاتی یا گاهی دیپانژه‌روز یکبار، آنجا می‌آمد. من هم آنجا در اطلاعات کار می‌کردم. بایانکه مسئولیت نداشتم، گاهی طرف مشورت قرار می‌گرفتم و بعضی کارها را پیگیری می‌کردم. بعد از آموزش که به سپاه فریدن بر گشتم، رفتم و با آقای رضاییان صحبت کردم. با ملاقات خصوصی و دوفترة داشتیم. گفتم که نیروی اطلاعات مهمات و اخیراً هم از آموزش امدم، خیلی با من گرم گرفت. با هم صمیمی شده بودیم.

وقتی می‌آمد، می‌رفتم و در فضای سبز می‌نشستم و با هم صحبت می‌کردیم. آقای رضایان گذشت‌هایش را تعریف می‌کرد که در گروه‌های مسلح قبل از انقلاب بود. است. می‌گفت: مرتب خانه‌ب‌دوشم که در حال فرار بودم و ساواک دنبالمان بود. یک‌جا اجاره می‌کردم و با زن و بچه مخفیانه زندگی می‌کردیم. گاهی شش ماه نشده، سرولوک ساواک پیدا می‌شد و دوباره مجبور بودیم جابه‌جا شویم. می‌گفت یک‌روز صبح که رفتم خانه‌ای را اجاره کرده‌م، سرور کله ساواکی‌ها پیدا شد. روز بعد دوباره جابه‌جا شدیم».

**فرمانده شجاع و بااخلاق**

روایت سردار سرلشکر پاسدار رحیم صفوی؛ شهید علی‌ضایان انسان عجیبی

اعتقادات برخوردار هستیست؟ آیا آیین‌های عزاداری را با آزادی کامل برگزار می‌کنند؟ مواجهه حاکمیت الهام علی‌اف با شیعه‌های آذربایجان با عزاداری برای امام حسین (ع) چگونه است؟ نحوه مقابله شما با فشارهای سیاسی و اعتقادی که الهام علی‌اف با شیعه‌ها دارد چگونه است؟ و سؤال‌های از این قبیل...

متأسفانه قریب به اکثریت زوار آذربایجانی در برخورد اول دچار شوک می‌شدند و قبل از طرح پرسش، گویی اینکه چرا باید با یک غیرآذربایجانی صحبت کنند در حالتی از ترس و اضطراب قرار می‌گرفتند و حتی بعضی‌ها با لکت‌الامد اولیه سببی می‌کردند که عدم تمایل خودشان برای صحبت کردن را بیان کنند. به هر نحو ممکن تلاش من این بود تا دلیل این نوع به قول معروف گوشه‌گیری و اکراه زائران آذربایجانی برای هم‌کلامی با دیگران را بیابم، اما حقیقتاً بسیار دشوار بود و عدم صحبت آنها باعث شده بود که بیشتر کنجکاو شوم.

دشسوار می‌هم‌کلامی با زائران آذربایجانی شیرینی نتایجی را که کسب می‌کردم صد چندان کرده بود اما نتیجه متأسفانه همان گونه که احساس می‌شد و به نظر می‌رسید دقیقاً ترس از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم الهام علی‌اف بود که گویی به زائران قبل از حرکت هشدار داده شده بوده که به هیچ عنوان با زائران دیگر کشورها و به‌خصوص با ایرانی‌ها ارتباط نداشته باشند.

آنها واهمه از آن داشتند که شاید من مأمور اطلاعاتی و امنیتی آذربایجان باشم و بدین‌وسیله بخواهم آنها را در معرض آزمایش قرار بدهم. زائران آذربایجان دارای زبان صمیمی و ساده و شخصیت‌های محکمی بودند که به‌رغم تمام فشارهای سیاسی رژیم علی‌اف، خود را به عراق و اربعین رسانده بودند و با وجود شرایط سخت سفر که برای زائران کشورهایی مثل هند و پاکستان و افغانستان و... قابل تصور است اما حقیقتاً این اراده و عزم و ایستادگی آنها با وجود فشارهای سیاسی که به تحریک رژیم صهیونیستی در آذربایجان بر آنها وارد می‌شود قابل ستودن است و انسان را به دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌برد که چگونه هیئت‌های مذهبی در سایه شدیدترین نظارت‌ها و کنترل‌های ساواک عزاداری‌ها و آیین‌های مرتبط با محرم را پیش می‌بردند.

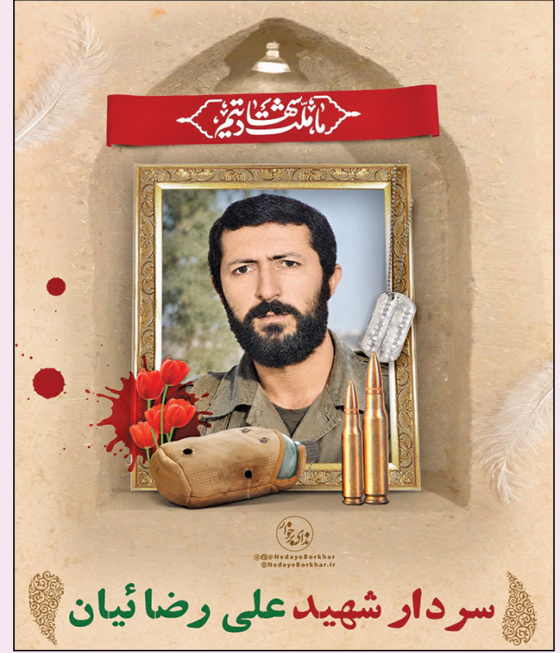
عمده صحبت آنها نسبت به چگونگی برگزاری مراسمات ضمن آنکه اشاره به آن داشتند که نباید مظاهر عزاداری مثل پیراهن مشکلی پوشیدن و یا... نمایان باشد و یا اینکه حتماً در یک محیط مشخص و با نظارت صورت بگیرد اشاره به کنترل شدید و پلیسی شدن هیئت‌های عزاداری و ممانعت از بیان موضوعات رز و یسا جانبداری از جبهه مقاومت است که رژیم علی‌اف بر آنها تحمیل می‌کند.

همراهی با زائران آذربایجان ناراحتی عمیقی را برای من به وجود آورد که چرا جامعه شیعه در این کشور استحاله شده و توسط عناصر رژیم صهیونیستی تا به این حد تحت فشار و شکنجه قرار دارند. آنها حتی به‌وضوح جسارت لازم برای هم‌کلامی با دیگران و یا آزادی عمل برای بیان دیدگاه‌های خود در اربعین را ندارند. با این وجود همین حضور آنها در اربعین نشانه‌ای روش از تسلیم‌ناپذیری آنهاست که در حلقه «تقیه» به پیش می‌روند و آن‌شاه‌الله به‌زودی از یوغ استبداد و استحاله رها خواهند شد؛ چرا که علاوه بر اعتقادات مذهبی که ریشه در باور تسلیم‌ناپذیری مکتب عاشورا دارند به رسم کهن بوم بودن و پیوسته بودن با ایران از فرهنگ غنی و آزادی‌خواه ایرانی نیز تبعیت می‌کنند که در نهایت نتایج شگفتی از استقلال و پیروزی را برای آنها رقم خواهد زد.

**پیروزی خون بر شمشیر عامل حرکت معنوی تاریخ**

اربعین امسال، حقیقتاً تجلی پیروزی خون بر شمشیر بود که در لحظه به لحظه، واژه به واژه و نقطه به نقطه مسیر مشایه می‌شد آن را به‌عنوان یک واقعه تاریخی و آغازگر تمدن نوین اسلام با محوریت شیعه در سرتاسر جهان با نام خون‌خواهی برای رهبر شهید انقلاب اسلامی احساس کرد.

اربعین امسال، نتانته به شکل یک واقعه تاریخی، بلکه به‌عنوان «عامل حرکتی معنوی تاریخ» نیز برای تحولات آتی در جهان مؤثر واقع خواهد شد و حقیقت تأثیر معنویت بر حرکت تاریخی را دوباره بر صاحبان و شیفتگان مکاتب مادی و تجربی اثبات خواهد کرد.



به یادگار مانده بود. موقع اذان ظهر بود. استین‌ها را بالا زدیم و وضو گرفتیم. نماز ظهر و عصر را خواندیم تا با ذکر خدا دلمان آرام بگیرد. بعد از نماز، قاسم سلیمانی، دعای تعقیبات نماز عصر را بارها خواند. همه تکرار می‌کردیم و گریه می‌کردیم. گریه با قلم نمی‌نماید». منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و مجاهدت‌های سپاه